

تامین مالی مرحله‌ای و کاربرد آن در بانکداری و مالی اسلامی: تحلیلی نظری در چارچوب دیدگاه توحیدی به اقتصاد

علی حسن‌زاده^۱
حسین میسمی^۲
مصطفی شهیدی‌نسب^۳

چکیده

این تحقیق ضمن تبیین رویکرد مرحله‌ای در تخصیص منابع بانکی، امکان استفاده از این شیوه تامین مالی در چارچوب بانکداری و مالی اسلامی، به عنوان مدلی ایده‌آل و توحیدی از بانکداری، را مورد کاوش قرار می‌دهد. به طور مشخص، به ارزیابی ظرفیت‌های موجود در عقود مطرح در بانکداری بدون ربا (با تاکید بر قانون عملیات بانکی بدون ربا ایران) به منظور به کار گرفته شدن در تامین مالی مرحله‌ای می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق، که با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به دست آمده‌اند، نشان دهنده آن است که امکان استفاده از فرایند ترکیب عقود به منظور ارائه مرحله‌ای تامین مالی به مشتریان فراهم بوده و انجام این کار به کاهش مشکلات معمول برخی از شیوه‌های تامین مالی اسلامی (به ویژه عقود مشارکتی)، مانند خطر اخلاقی و اطلاعات نامتقارن، کمک می‌نماید.

واژگان کلیدی: قانون بانکداری بدون ربا، تامین مالی مرحله‌ای، عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای، رویکرد توحیدی به اقتصاد.

۱. دانشیار و معاون اداری- مالی پژوهشکده پولی و بانکی.
۲. پژوهشگر گروه بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، نویسنده مسئول: meisami@isu.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱- مقدمه

در سده اخیر با ورود نهاد بانک به کشورهای اسلامی، برخی از اندیشمندان مسلمان که از یک طرف به پیشرفت اقتصادی و استفاده از نهادهای اقتصادی جدیدی چون بانک می‌اندیشیدند و از طرف دیگر دغدغه رعایت اصول و تعالیم اسلامی در حوزه اقتصاد را داشتند، ایده بانکداری اسلامی را مطرح نمودند. از این رو، بررسی تاریخی نشان می‌دهد که ایده اولیه بانکداری اسلامی به عنوان طرحی نظری توسط اندیشمندانی چون ماوردی، مادودی، شهید محمد باقر صدر پیگیری شد (صدیقی، ۱۳۸۹: ۴۱).

توسعه این ایده‌های نظری، به صورت تدریجی زمینه اجرایی شدن و تشکیل موسساتی که فعالیتی سازگار با شرع مقدس دارند را فراهم نمود. در این راستا اولین بانک تمام عیار اسلامی در سال ۱۹۷۵ در جده تشکیل شد که نام آن: «بانک توسعه اسلامی» می‌باشد؛ هر چند موسسات خرد مالی که فعالیت‌های خود را در چارچوب اسلامی انجام می‌دادند، قبل از این تاریخ نیز در کشورهای اسلامی وجود داشته‌اند. از آن تاریخ به بعد صنعت بانکداری اسلامی همواره در حال توسعه بوده و در حال حاضر، در اکثر کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی وارد شده است (موسویان، ۱۳۸۳: ۱۱).

توسعه روز افزون بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف- از جمله ایران- به معنای آن نیست که این نوع از بانکداری با مشکلی مواجه نشده است. بلکه در مقابل، این مدل بانکداری اسلامی در عمل با کاستی‌هایی روبرو گردیده که توجه به آنها و تلاش در جهت حل این مشکلات یک ضرورت بسیار مهم می‌باشد. یکی از مشکلات اساسی در این نوع از تامین مالی، مساله ریسک موجود در ذات بسیار از عقود اسلامی بوده و در نتیجه این نوع از تامین مالی و به ویژه در عقود مشارکتی، با مشکلات معمولی چون خطر اخلاقی و انتخاب معکوس مواجه است. با این حال به نظر می‌رسد می‌توان با اتخاذ تدابیر و الگوهای عملیاتی لازم، در راستای حل و یا حداقل نمودن این چالش‌ها حرکت نمود.

این تحقیق تلاش می‌کند تا با ارائه رویکرد مرحله‌ای در تامین مالی اسلامی، زمینه کاهش مشکلات موجود این صنعت را فراهم سازد. از این رو، با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی، مطالعات کتابخانه‌ای و مرور ادبیات تولید شده در حوزه تامین مالی اسلامی، در جهت پاسخ به سؤالات ذیل حرکت می‌نماید:

۱- رویکرد مرحله‌ای در تامین مالی اسلامی چگونه است؟ اگر مؤسسه‌ای بخواهد از این رویکرد در ارائه تامین مالی استفاده کند، از چه شیوه‌های اسلامی (عقود) در تجهیز و تخصیص منابع می‌تواند استفاده کند؟

۲- منافع مورد انتظار از استفاده از تامین مالی مرحله‌ای در بانکداری اسلامی کدام است؟

۳- استفاده از تامین مالی مرحله‌ای چگونه زمینه اجرای بهتر و کم هزینه‌تر عقود

مشارکتی را برای بانک یا مؤسسه مالی اسلامی فراهم می‌سازد؟

۲- ادبیات موضوع

بررسی ادبیات موضوع به خوبی نشان می‌دهد که هر چند مقوله ارائه مرحله‌ای تأمین مالی در بانکداری بدون ربا و منافع این روش جهت کاهش چالش‌های اجرای عقود اسلامی (به ویژه عقود مشارکتی) به صورت مستقیم مورد تحقیق واقع نشده است، اما با این حال برخی از پژوهش‌ها به آسیب‌های فعلی اجرای بانکداری با استفاده از عقود اسلامی اشاره کرده‌اند که در ادامه به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود.

عرب مازار و کیقبادی (۱۳۸۵) بر این موضوع تأکید می‌کنند که در هر یک از عقود اسلامی، حقوق مشخصی برای طرفین عقد در نظر گرفته شده است که نمی‌توان به آن بی‌توجه بود. اما در عمل شاهدیم که بانک‌های فعال در کشور در هنگام اعطای تسهیلات (بویژه در عقود مشارکتی) با استفاده ناصحیح از عقد صلح، حقوقی که در عقود اسلامی برای وام‌گیرنده تعریف می‌شود را تا حدودی از بین می‌برند. به نحوی که هم بانک و هم دریافت‌کننده تسهیلات از ابتدای معامله از اینکه مشارکتی به صورت واقعی انجام نخواهد شد و وام‌گیرنده نیز مجبور است نرخ سود مشخص و معینی را به بانک تحویل دهد، مطمئن هستند. انجام این کار گرچه شاید به لحاظ فقهی و بر اساس جایز بودن صلح ابتدایی در فقه شیعی، فاقد اشکال باشد، اما با اهداف شارع مقدس در وضع عقود مشارکتی و مطرح ساختن حقوقی برای طرفین آن در تعارض است.

اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)، به چالش دیگر بانکداری اسلامی، یعنی صوری بودن برخی از فعالیت‌ها می‌پردازند. منظور از صوری بودن آن است که طرفین قرارداد، گرچه واقعا قراردادی که امضا می‌کنند، عنوان یکی از عقود شرعی (مانند مضاربه) را دارد، اما در عمل هیچگونه مضاربه‌ای اتفاق نیفتاده و صرفا فاکتورها و برگه‌هایی جا به جا می‌گردد. وسعت این چالش به حدی است که برخی از محققان اقتصاد اسلامی و حتی برخی از مراجع عظام تقلید صراحتا اعلام کرده‌اند که بخشی از معاملات انجام شده در نظام بانکداری بدون ربا در کشور صوری است.^۱ این چالش، قطعا یکی از دلایل اصلی عدم اعتماد علماء و عامه مردم به اسلامی بودن عملکرد بانکداری بدون ربا در کشور

۱. به عنوان نمونه محمد جواد محقق صراحتا بیان می‌دارد که: «بخشی از معاملات انجام شده در چارچوب بانکداری بدون ربا در کشور صوری است» (به نقل از سایت http://sarafiarman.com/newsdetail-22_fa.html تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۱/۱۲/۶) و یا اینکه آیت الله نوری همدانی از مراجع تقلید در این رابطه بیان داشته‌اند که: «متأسفانه ربا هنوز در بانک‌های ایران وجود دارد و تنها شکل آن تغییر کرده است» (به نقل از سایت <http://alef.ir/1388/content/view/92476> تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۱/۱۲/۶).

است. صوری شدن عملیات بانکداری بدون ربا در عقود مختلف، در برخی موارد منجر به ربوی شدن آن می‌گردد. چرا که بر اساس اصل فقهی بسیار مهم، که قبلا نیز بیان شد، عقود تابع قصود و اهداف طرفین می‌باشند و اگر طرفین قصد جدی در انجام معامله نداشته باشند، معامله‌ای انجام نخواهد شد و تنها دریافت پول و بازپرداخت آن به مبلغ بیشتر مورد توجه طرفین قرار می‌گیرد که این قطعا رباست.

آقانظری (۱۳۸۷)، به آسیب‌شناسی چالش‌های اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکداری بدون ربا ایران می‌پردازد. در این پژوهش به این نکته تاکید می‌شود که در حال حاضر بانک‌های کشور به منظور اجرای صحیح عقود مختلف (به ویژه عقود مشارکتی) نیاز به سازماندهی خاصی دارند. به عنوان نمونه، در عقود مشارکتی، بانک‌ها به عنوان شریک سرمایه‌گذار، لازم است بر پروژه نظارت داشته باشند. به دلیل هزینه‌بر بودن این امر و اینکه هیچ مؤسسه یا نهادی در کشور وجود ندارد که بتواند این خدمت (نظارت بر اجرای صحیح عقود) را به بانک عرضه کند، بانک‌ها معمولاً هنگام تدوین عقود، سعی می‌کنند این مشکل را حل کنند. به عبارت دیگر، با استفاده از راهکارهای مختلف (به طور عمده قرارداد صلح ابتدایی) تلاش می‌کنند تا چالش نظارت را در داخل عقد حل کنند؛ به نحوی که دیگر نیازی به نظارت بانک نبوده و بانک از دریافت اصل و سود خود مطمئن باشد. این در حالی است که عقد، اصلاً محل مناسبی برای حل این مشکل نیست. متأسفانه این کار تاکنون منجر به صوری شدن تعداد زیادی از عقود مشارکتی شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در اکثر موارد تحقیقات انجام شده به بیان آسیب‌های اجرای عقود اسلامی، بویژه عقود مشارکتی، پرداخته‌اند و کمتر راه‌حل‌های عملیاتی برای اجرای صحیح قانون بانکداری بدون ربا مورد توجه واقع شده است. از این رو تحقیق حاضر با ارائه رویکرد مرحله‌ای در تامین مالی، راه حلی در جهت اجرای صحیح عقود اسلامی ارائه داده و از این جهت دارای نوآوری می‌باشد. در ادامه پیش تبیین رویکرد مرحله‌ای، ویژگی‌های اساسی بانکداری اسلامی مورد توجه واقع می‌شود.

۳- مشخصه‌های اساسی بانکداری و تامین مالی اسلامی

بانکداری اسلامی، بر اساس تعریف، لازم است دارای ویژگی‌های مشخصی باشد و میزان اسلامی بودن این نوع بانکداری و میزان تفاوتی که از بانکداری متعارف و بهره‌محور دارد، تابعی است از میزان و درجه وجود این ویژگی‌ها در عمل. در آنچه در پی می‌آید به برخی از مهمترین ویژگی‌های بانکداری اسلامی اشاره می‌شود.

الف) عادلانه بودن تمامی روابط و مناسبات

اولین و مهمترین ویژگی بانکداری اسلامی که روح و ماهیت اسلامی را در آن متجلی می‌سازد و نقطه افتراق قابل توجهی میان این نوع از بانکداری با بانکداری متعارف شکل می‌دهد، موضوع اصل بودن عدالت در نظام اقتصاد اسلامی به طور عام و در بانکداری و مالی اسلامی به طور خاص می‌باشد. به عبارت دیگر، در نظام مالی اسلام، لازم است تمامی روابط و مناسبات در چارچوبی عادلانه تدوین گردند و هر گونه رابطه‌ای که با معیارهای عدالت ناسازگاری قطعی داشته باشد، یا نامشروع می‌باشد و یا اینکه حداقل نباید از این رابطه استفاده نمود (هر چند به ظاهر و با در نظر گرفتن صرف ملاک‌های فقهی، بدون اشکال به نظر رسد). بنابراین، لازم است در هر نوع ایده‌پردازی، نظریه‌پردازی، طراحی ابزار و مدل‌سازی در بانکداری و مالی اسلامی، بیش و پیش از هر موضوع دیگری به عدالت توجه شود.

هر چند امکان بحث مبسوط در رابطه با عدالت در این مختصر فراهم نیست، اما مناسب است در رابطه با مفهوم عدالت به نکاتی چند اشاره شود.^۱ به لحاظ لغوی عدالت را مساوات، انصاف، سهم، تقسیم مساوی به قسط، میانه‌روی، امری بین افراط و تفریط، امری در مقابل ظلم و جور، تناسب و نهایتاً استقامت تعریف کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۵).

اما به لحاظ اصطلاحی، به نظر می‌رسد مفهوم عدالت در معنای کلی، توافقی و مورد درک همگانی است؛ اما در معنای جزئی اختلافی بوده و دیدگاه واحدی در رابطه با آن وجود ندارد. به هر حال، همان طور که برخی محققان به خوبی نشان داده‌اند، لازم است به منظور کاربردی ساختن مفهوم عدالت، نقاط اشتراک تعاریف گوناگون را اخذ و نقاط افتراق را طرد نمود. با انجام این کار، می‌توان برای عدالت دو معنای اصطلاحی کلی در نظر گرفت. معنای اول، برابری، مساوات، انصاف و بی طرفی می‌باشد و معنای دوم، توازن، تعادل، اعتدال، تناسب، حد وسط و مطابقت با نظم (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۶۵). با توجه به معانی یاد شده، می‌توان عدالت را در یک جمله چنین تعریف نمود: «وجود امکانات مساوی برای همه، نیل به استحقاق‌ها و قرار گرفتن هر چیز در جایگاه شایسته و مناسب آن» (همان، ۱۳۸۴: ۶۶).

در رابطه با مفهوم عدالت مناسب است به ویژگی فرادینی، عقلی و فطری بودن مفهوم عدالت توجه ویژه شود. در این رابطه شهید مطهری به خوبی به آن پرداخته و

۱. آنچه در این قسمت در رابطه با موضوع عدالت مطرح شده در حد نیاز و اهداف این تحقیق بوده و مباحث تکمیلی در منابع مرتبط قابل پیگیری است.

بیان می‌دارد: «اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر آن منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است، نه در سلسله معلولات؛ نه این است که آنچه دین گفت عدالت است، بلکه آنچه عدل است را دین می‌گوید» (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۴). از این تعریف مشخص می‌شود که عدالت حاکم بر تمامی احکام اسلامی بوده و لذا عدل اسلامی نمی‌باشد، بلکه اسلام عادلانه است.

با توجه به این برداشت از عدالت، می‌توان قواعدی اقتصادی را در چارچوب اسلامی استخراج نمود و از این موارد به عنوان برخی از معیارهای عدالت در نظام اقتصادی اسلام نام برد. حق برخورداری برابر از منابع و ثروت‌های عمومی، سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در تولید و قرار گرفتن اموال در موضع قوام، برخی از این معیارها هستند که به خوبی توسط برخی محققین مورد بحث واقع شده‌اند (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

ب) سازگاری تمامی رفتارها با اخلاق اسلامی

یکی دیگر از ویژگی‌های بانکداری و مالی اسلامی، سازگاری تمامی رفتارها میان تمامی ذی نفعان نظام بانکی، با اخلاق اسلامی است. به عبارت دیگر، لازم است مناسبات میان تمامی کنشگران حوزه بانکداری اسلامی به گونه‌ای تنظیم گردد، که در حداکثر سازگاری با اخلاق اسلامی قرار گیرد و در تمامی رفتارها به آن توجه گردد. منظور از اخلاق اسلامی، مجموعه دستورات اخلاقی و دینی است که در قرآن، احادیث و یا سیره معصومین وجود داشته و یا سایر کارها و فعالیت‌هایی است که از دیدگاه عرف و عقل غالب انسان‌ها، اخلاقی به حساب می‌آیند (علیزاده، ۱۳۸۹: ۵).

گرچه تاکید دین اسلام بر مباحث اخلاقی، بیشتر از سایر ادیان است، اما لازم است توجه شود که تاکید بر مباحث اخلاقی در حوزه بانکداری و تامین مالی، مخصوص دین اسلام و یا کشورهای اسلامی نیست. بلکه، به دلیل وجود فطرت مشترک در تمامی انسان‌ها، بانکداری اخلاقی در جهان غرب نیز تا حدودی توسعه یافته و مباحث و تجاربی تحت عنوان «بانکداری اخلاقی»^۱، در نظام بانکداری غیر اسلامی نیز قابل مشاهده است که می‌تواند به منظور توسعه بانکداری اخلاقی در بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی به عنوان یک تجربه، قابل استفاده باشد.

هر چند به لحاظ تاریخی به طور دقیق مشخص نیست که از چه زمانی مباحث اخلاقی در بانکداری متعارف وارد گردید، اما آنچه در تاریخ اقتصادی غرب می‌توان

1. Ethical Banking

یافت آن است که در قرن هجدهم در انگلستان، کواکرها^۱ اولین گروهی بودند که از سرمایه‌گذاری در صنایعی که غیر اخلاقی به شمار می‌آمدند (مانند دخانیات، الکل، قمار و برده‌داری)، اجتناب ورزیدند. این اقدام به مرور زمان باعث محبوبیت و رشد تجارت این گروه در میان مردم شد و باب جدیدی را در مباحث متعارف اقتصاد غرب باز نمود.^۲ این نوع سرمایه‌گذاری اخلاقی بعدها به «سرمایه‌گذاری مسئول به لحاظ اجتماعی»^۳ معروف شده و دامنه آن روز به روز گسترده‌تر گردید (قلیچ، ۱۳۹۰: ۳).

علی‌رغم وجود اختلافات گوناگون میان صاحب‌نظران در مقوله تعریف بانکداری اخلاقی، به نظر می‌رسد در مجموع می‌توان بانکداری اخلاقی را نوعی فعالیت بانکی دانست که علاوه بر داشتن اهداف متعارف نظام بانکی (مانند حداکثرسازی سود)، تلاش دارد تا با احترام به حقوق آحاد جامعه، حفظ ثبات نظام اجتماعی اقتصادی، صیانت از محیط زیست و ارتقای سطح اعتماد و اطمینان عمومی به صنعت بانکداری، به بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه کمک برساند. لازم به ذکر است در حال حاضر موسسات گوناگونی در سطح بین‌المللی به عنوان بانک‌ها و موسسات مالی اخلاقی شناخته می‌شوند که برخی از مهمترین آنها عبارت‌اند از: شوربانک^۴، آر.اس.اف سوشیال فایننس^۵، آلیانس بنکشیر^۶ و وینرایت بانک^۷ در آمریکا، بانک تعاونی^۸، رلیانس بانک^۹، شرد اینترست^{۱۰} در انگلستان، جی. ال. اس بانک^{۱۱} و اتیک بانک^{۱۲} در آلمان، سیتیزنس - بانک^{۱۳} و ونسیتی بانک^{۱۴} در کانادا، تریودوس بانک^۱ و رابو بانک^۲ در هلند، اتیکا^۳ در

1. Quakers

۲. در قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ بخش اعظم اقتصاد و صنعت انگلستان در دست اقلیت مذهبی نسبتاً کوچکی به نام کواکرها بود. این افراد در دنیای آن روز نقش تعیین‌کننده‌ای در برقراری روابط تجاری بین کشورهای غربی و عمدتاً بریتانیا و آمریکا ایفا می‌نمودند. کواکرها به انسان‌هایی صادق و دقیق در امر تجارت معروف بودند و مردم از انجام معامله با آنان احساس آرامش کرده و با آغوش باز روابط تجاری-اقتصادی خود را با آنان گسترش می‌دادند. فعالیت این افراد به طور تدریجی زمینه توسعه بانکداری اخلاقی در جهان غرب را هموار نمود (سورویکی، ۲۰۰۴: ۲۱).

3. Socially Responsible Investment

4. Shore Bank

5. RSF Social Finance

6. Alliance Bankshares

7. Wainwright Bank

8. Co-operative Bank

9. Reliance Bank

10. Shared Interest

11. GLS bank

12. Ethik Bank

13. Citizens Bank

14. Vancity

ایتالیا، بانک تعاونی اعتبار^۴ در فرانسه و میانک^۵ در مالزی (ویلسون، ۱۳۸۱: ۱۳). در رابطه با مقوله بانکداری اخلاقی در نظام بانکداری متعارف مناسب است به نکته‌ای دیگر نیز اشاره شود و آن اینکه اصول بانکداری اخلاقی را می‌توان در مجموع در سه دسته و گروه کلی جای داد که عبارت‌اند از: درون بانکی (رعایت حقوق کارکنان و مسئولین بانک، رعایت حقوق مشتریان بانک، رعایت حقوق سهامداران بانک و حفظ و ارتقای شهرت و اعتبار بانک)، بین بانکی (رعایت حقوق کلیه بانک‌ها و موسسات مالی توسط یکدیگر و پرهیز از رقابت‌های نامنصفانه و به دور از اخلاقیات) و فرابانکی (جهت‌گیری خدمات بانکی به منظور حفظ ثبات اقتصادی - اجتماعی جامعه، کاهش فقر و شکاف طبقاتی، صیانت از محیط زیست، حفاظت از منافع فرانسلی، رعایت حقوق شهروندی عامه مردم و رعایت حقوق سازمانها و نهادهای دیگر). البته مسلم است که تمامی بانک‌های با اهداف اخلاقی، به یک درجه به این مسائل توجه ندارند، بلکه هر یک از آنها با در نظر گرفتن شرایط خاصی که در آن قرار دارند، انتظارات مشتریان و عامه مردم و غیره، به میزان مشخصی به این اهداف توجه می‌نمایند (قلیچ، ۱۳۹۰: ۶۸).

ج) تامین اصول، مبانی، قواعد و دستورات فقهی در حوزه معاملات

پس از موضوع عدالت و اخلاق، به نظر می‌رسد مهمترین مسأله‌ای که به لحاظ کاربردی اهمیت بسیار بالا و قابل توجهی در بانکداری و مالی اسلامی دارد و یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع از بانکداری به حساب می‌آید، سازگاری کامل تمامی روابط با فقه اسلامی است. در واقع لازم است در بانکداری و مالی اسلامی، هر نوع رابطه‌ای که بین ذی نفعان برقرار می‌گردد، به لحاظ فقه اسلامی بدون اشکال باشد. بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد که شارع مقدس اسلام در برخورد با معاملات، رویکرد امضائی اتخاذ نموده است. بدین معنی که هر معامله‌ای را که از دیدگاه عرف و عقلا معامله نامیده شود را مورد تایید قرار می‌دهد؛ البته این تایید مطلق نبوده و بلکه لازم است اصول و ضوابطی در نظر گرفته شوند. تمامی این اصول را می‌توان در دو دسته «ضوابط فقهی عمومی» و «ضوابط فقهی اختصاصی» تقسیم‌بندی نمود که هر دو

1. Triodos Bank
2. Rabobank
3. Banca Etica
4. Crédit Coopératif
5. May Bank Group

دسته از ضوابط، از ویژگی‌هایی به حساب می‌آیند که لازم است در عملیات بانکداری اسلامی وجود داشته باشند و در غیر این صورت، این فعالیت به لحاظ شرعی مورد تایید نیست.

ضوابط فقهی عمومی، اصولی عام هستند که لازم است در تمامی معاملات وجود داشته باشند و نبود آنها، به باطل بودن معامله و حرمت تصرف در اموال طرفین می‌انجامد. به نظر می‌رسد این ضوابط عمومی خود در سه دسته قابل تقسیم باشند. ضوابط عمومی نفس معامله و قرارداد، ضوابط طرفین قرارداد و نهایتاً ضوابط مورد معامله (آنچه معامله بر روی آن واقع می‌شود). منظور از ضوابط عمومی نفس قرارداد، مواردی است که باید در خود قراردادی که بین طرفین منعقد می‌شود در نظر گرفته شود. برخی از مهمترین این موارد عبارت‌اند از: عدم اکل مال به باطل، عدم وجود ربا، عدم وجود غرر و عدم وجود ضرر.

گروه دوم از ضوابط، ویژگی‌های طرفین قرارداد می‌باشد. بر اساس منابع فقهی، برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: بالغ بودن طرفین، رشید بودن، اجازه معامله داشتن، اختیار معامله داشتن و نهایتاً فهم و درک طرفین از ماهیت عقد و شکل‌گیری قصد. گروه سوم از ضوابط نیز، ویژگی‌هایی است که لازم است در آنچه معامله بر آن واقع می‌شود (مورد معامله)، وجود داشته باشد که برخی از مهمترین آنها عبارت‌اند از: مالیت داشتن، معلوم بودن، قابلیت تحویل و غیره (نجفی، ۱۳۹۷، ق، ج ۶: ۲۲).

علاوه بر قواعد عمومی، شارع مقدس در هر یک از معاملات نیز احکام و ویژگی‌های خاصی را در نظر گرفته است که می‌توان از آنها به ضوابط فقهی اختصاصی نام برد. این ضوابط عمومیت نداشته و مخصوص یک یا چند مورد از عقود می‌باشند. گرچه امکان اشاره به تمامی این ضوابط در اینجا نه ضرورت و نه امکان دارد، اما برخی از نمونه‌های این ضوابط اختصاصی عبارت‌اند از: باطل بودن تنزیل دین غیرواقعی و صوری، جایز نبودن شرط کردن پرداخت مبلغی مازاد در صورت تاخیر در تادیه به صورت شرط نتیجه، جایز نبودن بیع کالی به کالی، جایز نبودن پرداخت سود صفر در عقد شرکت به یکی از طرفین به دلیل تعارض با ماهیت مشارکت، اختصاص مضاربه به تجارت و جایز نبودن کاربرد آن در سایر موارد و جایز نبودن ضامن نمودن عامل در عقد مضاربه به صورت شرط نتیجه (موسویان، ۱۳۸۳: ۱۲۹).

۴- تبیین رویکرد مرحله‌ای و ارائه مدلی جهت اجرای آن

در حال حاضر به دلیل مشکلاتی که در اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی وجود دارد، بخش عمده‌ای از تحقیقات موجود در حوزه تامین مالی اسلامی، پیشنهاد استفاده از عقود مبادله‌ای را مطرح کرده‌اند و لذا تحقیقاتی که بر روی روش‌ها و رویکردهای استفاده از عقود مشارکتی در تامین مالی اسلامی تمرکز کرده باشند، اندک‌اند. این در حالی است که تحقیقات متعدد نشان داده‌اند استفاده از عقود مشارکتی در نظام تامین مالی منجر به دستیابی و تامین بهتر اهداف نظام اقتصادی اسلام می‌گردد (صدیقی، ۱۳۸۹؛ موسویان، ۱۳۸۳؛ عیوضلو، ۱۳۸۷). به هر حال به نظر می‌رسد می‌توان رویکردهای مختلفی را به منظور وارد ساختن عقود مشارکتی در تامین مالی مطرح ساخت. یکی از این رویکردها و روش‌ها که محل تمرکز این مقاله می‌باشد، «رویکرد مرحله‌ای»^۱ است؛ در ذیل به توضیح این رویکرد پرداخته می‌شود.

منظور از رویکرد مرحله‌ای- که در ادبیات تامین مالی شرکتی به خوبی به آن اشاره شده است- آن است که موسسه به جای آنکه تمامی تامین مالی را در یک مرحله به متقاضیان ارائه کند، آن را در چند مرحله و با استفاده از روش‌های مختلف ارائه نماید (ری^۲، ۲۰۰۵: ۲). در چارچوب بانکداری اسلامی، می‌توان رویکرد مرحله‌ای را این طور ارائه کرد- همان طور که در نمودار شماره یک مشاهده می‌شود- که لازم است موسسه ابتدا تامین مالی خرد را از طریق عقود مبادله‌ای که نرخ بازدهی ثابتی دارند، ارائه داده (هدف از این مرحله راه‌اندازی طرح اقتصادی است) و پس از آن و در صورتی که دریافت کننده تامین مالی در مرحله اول موفق به اثبات توانمندی خود در جهت استفاده صحیح از منابع و همچنین تعهد خود در زمینه بازپرداخت وام دریافتی گردید و علاوه بر آن، ضوابط تعیین شده توسط موسسه را نیز رعایت کرد (مثلا پر کردن صحیح فرم‌ها و اسناد مربوطه)، آنگاه موسسه مذکور وارد مرحله دوم طرح شده و وام‌های مشارکتی در اختیار این گروه موفق قرار می‌دهد (هدف از این مرحله توسعه طرح اقتصادی است).

ویژگی عقود مشارکتی آن است که میزان سود آنها از پیش تعیین نمی‌شود و علاوه بر آن در این عقود عامل و مالک در یک فعالیت تجاری با هم شریک می‌شوند و سود و زیان حاصل از این فعالیت را به میزان توافقی که از قبل دارند، بین یکدیگر تقسیم می‌کنند. مسلماً و همان طور که در نمودار شماره یک مشاهده می‌شود، اگر دریافت

1. Sequential finance

2. Roy

کننده تأمین مالی مذکور در مرحله اول موفق به تأمین خواسته‌ها و انتظارات موسسه تأمین مالی اسلامی نشود، موسسه می‌تواند در مرحله دوم، باز هم از عقود مبادله‌ای استفاده کند و حتی اگر فعالیت‌های گروه از دیدگاه موسسه خیلی ضعیف ارزیابی گردد، آنگاه موسسه می‌تواند فرایند اعطای وام به گروه مذکور را متوقف سازد.^۱

در روش مرحله‌ای، لازم است بانک یا موسسه مالی اسلامی، ضوابط اجرایی را به نحوی تنظیم کند که در مرحله اول بتواند اطلاعات مشخصی در رابطه با طرح‌های اقتصادی و همچنین توانمندی فرد دریافت‌کننده تسهیلات به دست آورد. این اطلاعات هستند که شایستگی فرد مذکور به منظور دریافت وام‌های مشارکتی در مرحله بعد را تعیین می‌کنند. به عنوان نمونه، موسسه مذکور می‌تواند برای گروه‌های مختلف از دریافت‌کنندگان تسهیلات، ناظری تعیین نماید و اعضای گروه را مکلف کند تا به صورت ماهیانه با این ناظر جلسه داشته باشند.

اگر فردی مرحله اول تأمین مالی را با موفقیت به پایان رساند، آنگاه موسسه در مورد این که آیا فعالیت‌های اقتصادی این فرد را مجدداً تأمین مالی کند و آیا این تأمین مالی شامل عقود مشارکتی شود و یا همچنان از عقود مبادله‌ای استفاده گردد، تصمیم‌گیری می‌کند. اگر فرد واجد شرایط عقود مشارکتی باشد، در این صورت موسسه عملیات اعطای وام تأمین مالی مشارکتی را آغاز می‌کند. فرایند اجرایی مرحله دوم می‌تواند به این صورت باشد که در ابتدا موسسه از مشتری می‌خواهد که به تشریح فعالیت‌های تجاری که در مرحله اول (راه‌اندازی) متصدی آن بوده، بپردازد و برنامه خود در رابطه با نحوه استفاده از وجوهی که قرار است در مرحله دوم (توسعه) دریافت کنند و با استفاده از این وجوه طرح خویش را تقویت کنند، ارائه دهد. اگر این فعالیت‌های تجاری همچنان احتمال سودآوری مناسبی داشته باشند و ناظر موسسه نیز از فعالیت‌های فرد در مرحله اول رضایت داشته باشد، آنگاه فرد بر اساس عقود مشارکتی (با ضوابطی خاص) تأمین مالی می‌شود.

گرچه عقود مختلف مشارکتی می‌تواند در این مرحله به منظور عقد قرارداد مورد استفاده قرار گیرد، اما به نظر می‌رسد «عقد مشارکت کاهنده» به دلیل ظرفیت‌هایی که دارد مناسب‌تر از سایر موارد باشد. در این نوع خاص از عقد مشارکت، استراتژی خروج^۲ موسسه مالی از فعالیت شفاف بوده و این خود به آزدسازی سریع‌تر منابع مالی

۱. لازم است توجه شود که تفاوت این الگو با مساله تمدید اعتبار در آن است که در اینجا اساساً تمدیدی در کار نبوده و بانک اعتبار جدید را بر اساس ویژگی‌های به دست آمده در مرحله اول و بر اساس یک رابطه حقوقی جدید (عقود مشارکتی) تخصیص می‌دهد. رابطه‌ای که برای بانک منافع و هزینه‌های مشخصی به همراه دارد.

2. Exit strategy

تخصیص یافته به پروژه‌ها کمک می‌کند.

البته لازم است قرارداد بسته شده بین موسسه و دریافت کنندگان تسهیلات حداقل شامل موارد اساسی ذیل گردد:

۱- نوع فعالیت تجاری که در مرحله اول به انجام رسیده و قرار است توسعه یابد؛

۲- میزان سرمایه مورد نیاز در مرحله دوم؛

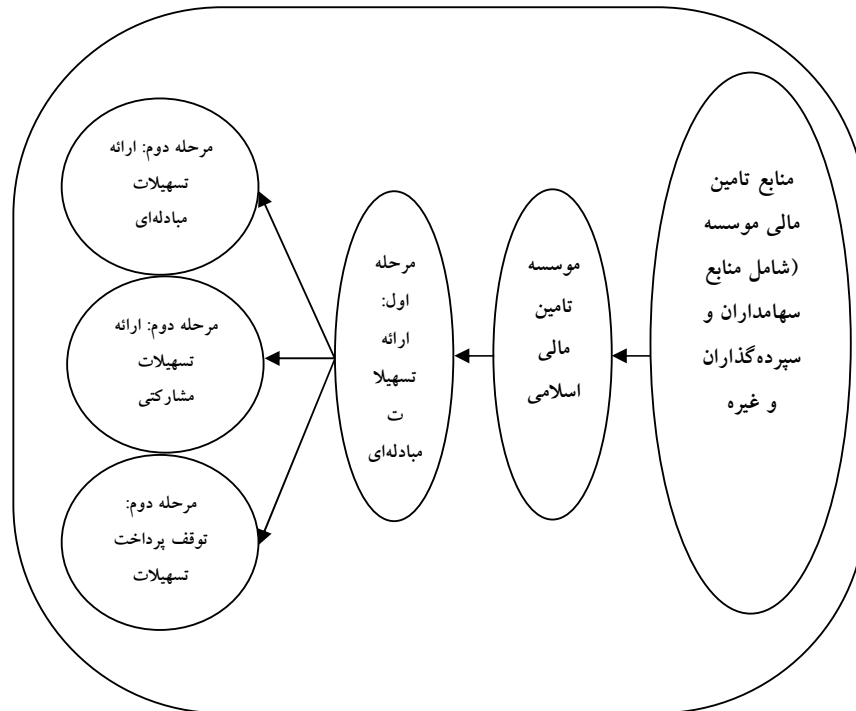
۳- نسبت تقسیم سود و زیان بین مشتری و موسسه؛

۴- قیمت‌گذاری طرح؛

۵- برنامه خرید سهام موسسه توسط مشتری.

همچنین موسسه تامین مالی اسلامی به منظور آنکه از بازپرداخت منابع مشارکتی که به گروه اعطا کرده است، هر چه بیشتر مطمئن گردد، می‌تواند از ظرفیت‌های موجود در عقد مشارکت کاهنده بهره‌برد. مثلاً می‌تواند در ضمن عقد با مشتری شرط نماید که اگر به هر دلیلی وی نتواند در تاریخ‌های مقرر، به تدریج سهم بانک را خریداری کند، آنگاه بانک این حق را خواهد داشت که نسبت‌های مورد توافق در رابطه با تقسیم سود را به نفع خود تعدیل کند. انجام این کار به لحاظ فقهی فاقد هر گونه اشکال است (معصومی‌نیا و شهیدی‌نسب، ۱۳۸۸: ۸-۴).

نمودار ۱. تجهیز و تخصیص منابع در رویکرد مرحله‌ای



۵- منافع مورد انتظار از ارائه مرحله‌ای تامین مالی

به نظر می‌رسد استفاده از الگوی مرحله‌ای در تامین مالی منابعی برای بانک یا موسسه مالی اسلامی ایجاد می‌نماید. در ذیل به بررسی برخی از مهمترین آنها پرداخته می‌شود^۱:

الف) شرعی بودن

الگوی مرحله‌ای پیشنهادی به لحاظ ضوابط فقهی و قانون عملیات بانکی بدون ربا فاقد اشکال است. دلیل این امر آن است که استفاده از عقود مبادله‌ای در مرحله اول و عقد مشارکت کاهنده در مرحله دوم، به لحاظ فقهی کاملاً صحیح است. در مورد صحت

۱. لازم به ذکر است مواردی که در این قسمت پیشنهاد می‌شود، مزیت‌هایی است که انتظار می‌رود از اجرای الگوی پیشنهادی به دست آید. مسلماً تایید دقیق هر یک از این موارد در عالم واقع، تحقیقی مستقل نیاز خواهد داشت.

عقود مبادله‌ای بحثی وجود ندارد؛ اما در رابطه با مشارکت کاهنده باید گفت که این عقد فقهی در واقع عقد شرکتی است که یک شرط صحیح در ضمن آن مندرج شده است (معصومی‌نیا و شهیدی‌نسب، ۱۳۸۸). همچنین سایر موارد مطرح شده در الگوی مرحله‌ای نیز به لحاظ شرعی صحیح به نظر می‌رسند.

ب) انتخاب معکوس^۱

یکی دیگر از چالش‌های بانک‌های اسلامی در استفاده از عقود مشارکتی به منظور ارائه تامین مالی مساله انتخاب معکوس است. بدین معنا که ممکن است بانک طرح‌هایی را با استفاده عقد مشارکت تامین مالی کند که شایستگی نداشته باشند و یا اینکه طرح‌هایی با سوددهی بیشتر موجود باشد. دلیل این امر آن است که بانک به دلیل محدودیت منابع با درخواست‌های متعددی به منظور دریافت تامین مالی مشارکتی مواجه می‌شود که همگی ادعا دارند که طرحی که پیشنهاد می‌دهند به لحاظ اقتصادی سوددهی بالایی دارد. در این هنگام بانک دو راه پیش روی خود دارد. یکی اینکه به ارزیابی تک‌تک طرح‌ها پرداخته و پس از آن طرح‌هایی را که احتمال بازدهی بیشتر و خطر کمتر دارند را انتخاب کند، که این عمل برای بانک هم زمان‌بر بوده و هم هزینه زیادی را به دنبال خواهد داشت. اما راه دوم آن است که با توجه به اظهار نظرهای متقاضیان و بررسی اجمالی طرح‌های آنان، به انتخاب طرح‌ها پرداخته و برخی از آنها را تامین مالی کند، که در این حالت با مساله «انتخاب معکوس» روبرو خواهد شد.

به نظر می‌رسد چالش انتخاب معکوس در الگوی مرحله‌ای چندان قابل توجه نباشد. دلیل این امر آن است که در این الگو، موسسه تامین مالی با درخواست افراد متعددی به منظور دریافت تسهیلات مواجه می‌باشد که پس از ارزیابی اولیه طرح‌های اقتصادی و انتخاب مناسب‌ترین آنها، با برخی از افراد منتخب از طریق عقود مبادله‌ای وارد فرایند تامین مالی می‌شود. در صورتی که این افراد موفق به راه‌اندازی فعالیت اقتصادی بر اساس طرح اولیه گردیدند، آنگاه در مرحله دوم و بر اساس عقد مشارکت کاهنده به منظور توسعه فعالیت خود وام دریافت می‌کنند. بدیهی است در این فرایند زمان کافی جهت کشف افراد شایسته از غیر شایسته، در اختیار بانک قرار دارد.

1. Adverse Selection

ج) خطر اخلاقی^۱

منظور از خطر اخلاقی آن است که وجود یک قرارداد میان دو طرف، ممکن است باعث تغییر رفتار هر دو یا یکی از آنها گردد؛ به نحوی که طرف دیگر از تغییر رفتار آسیب ببیند. چالش خطر اخلاقی مربوط به بعد از قرارداد بوده و یکی از موارد مهم ظهور آن شرایطی است که وام‌گیرنده به انگیزه کسب سود بیشتر، سود یا زیان فعالیت اقتصادی را به طور صحیح گزارش ندهد (مسکالل^۲، ۱۹۹۵: ۴۷۷). به نظر می‌رسد در الگوی مرحله‌ای چنین مشکلی وجود نداشته باشد. دلیل این امر آن است که نماینده موسسه هم در مرحله اول و هم در مرحله دوم به عنوان ناظر و مشاور طرح اقتصادی حضور داشته و از میزان سود و زیان طرح اقتصادی آگاه است و لذا چالش خطر اخلاقی کمرنگ می‌گردد. همچنین به دلیل اجرای مرحله‌ای فرایند تأمین مالی، موسسه فرصت بیشتری جهت شناخت ویژگی‌ها و توانمندی‌های مشتریان خواهد داشت.

د) تقویت ساختار انگیزشی

به نظر می‌رسد استفاده از عقد مشارکت کاهنده در مرحله دوم منجر به تقویت انگیزه افراد می‌گردد. دلیل این امر آن است که در مشارکت کاهنده اعضای افراد می‌دانند که قرار است در نهایت و با خرید تدریجی سهم موسسه، خود مالک طرح اقتصادی شوند، و لذا تمام تلاش خود را در جهت موفقیت طرح اقتصادی به کار می‌گیرند. علاوه بر این، مسئولان موسسه تأمین مالی اسلامی نیز می‌دانند که موسسه در سود و زیان این طرح شریک است و لذا تلاش می‌کنند تا با ارائه راهنمایی‌های اقتصادی، حقوقی و ارائه مشاوره‌های صحیح، احتمال موفقیت طرح را بالا ببرند.

ه) آزادسازی منابع موسسه

همان طور که قبلاً نیز ذکر گردید، استفاده از الگوی پیشنهادی منجر به آن می‌شود که منابعی که موسسه در اختیار افراد قرار می‌دهد، در طول زمان با خریداری سهم موسسه توسط افراد، بازگردانده شود. اهمیت بازگشت منابع در آن است که منابع موسسات تأمین مالی اسلامی محدود بوده و لازم است موسسه با مدیریت صحیح امکان استفاده از این منابع برای تعداد بیشتری از افراد نیازمند را فراهم کند. در الگوی مشارکت کاهنده، اصل منابع ارائه شده به یک فرد همراه با سود ایجاد شده به موسسه بازگشته و

1. Moral hazard

2. Mas-Colell

موسسه می‌تواند آن را در اختیار سایر افراد قرار دهد. این امر زمینه پایدارسازی و توسعه فعالیت موسسه تامین مالی اسلامی را فراهم می‌آورد.

و) درگیر ساختن طرفین با بخش واقعی اقتصاد

از ویژگی‌های رویکرد پیشنهادی آن است که منافع موسسه و مشتریان را با بخش واقعی اقتصاد گره می‌زند. در واقع اگر اقتصاد، پس از عقد قرارداد، وارد دوره‌های رونق گردد و سوددهی طرح اقتصادی افزایش یابد، طرفین متناسب با سهمی که دارند در این سود شریک می‌شوند و در دوره رکود نیز در ضرر شریک می‌شوند. این در حالی است که در شرایطی که از عقد قرض و یا عقود مبادله‌ای به منظور تامین مالی گروه استفاده شود، ارتباط موسسه با تغییرات بخش واقعی اقتصاد کمرنگ می‌گردد.

ز) افزایش کارایی اقتصادی

کارایی به معنی تولید بیشتر با نهاده کمتر است و کارایی تخصیصی که در اینجا مورد توجه است، به معنی تخصیص منابع جامعه به گونه‌ای است که تولید کل حداکثر گردد. این امر زمانی برقرار می‌شود که در کل اقتصاد بهره‌وری نهایی سرمایه‌گذاری در تمامی صنایع برابر باشد. نتیجه این حالت نسبتاً ایده آل، آن است که سرمایه باید در جایی سرمایه‌گذاری شود که حداکثر بازدهی (سوددهی) را داشته باشد (الجرحی، ۲۰۰۲). اما در شرایطی که موسسه تامین مالی اسلامی از عقد قرض و یا عقود مبادله‌ای در تامین مالی گروه استفاده کند، در رابطه با بازپرداخت وام‌پرداختی (و نه الزاماً موفقیت طرح اقتصادی) نگرانی دارد. این نگرانی‌ها زمانی به بهترین نحو مرتفع می‌شود که مشتریان قبل از دریافت وام، به منظور مواجه شدن با تعهدات پرداختی که از این وام به وجود می‌آید، منابع کافی در اختیار داشته و به موفقیت طرحی که برای تامین مالی‌اش وام دریافت کرده‌اند، وابستگی نداشته باشند. به همین دلیل است که شایستگی اعتباری مشتریان اولین موردی است که تامین مالی کننده در نظر می‌گیرد. البته داشتن پیش‌بینی موفقیت و ایجاد سود نیز بسیار مهم است؛ ولی این شاخصه رتبه دوم از مواردی که تامین مالی کننده در نظر می‌گیرد را به خود اختصاص می‌دهد. این در حالی است که در الگوی مرحله‌ای به دلیل آنکه موسسه خود را در سود و زیان فعالیت اقتصادی شریک می‌داند، اولین و مهمترین مولفه‌ای که به منظور اعطای وام به طرح‌های گوناگون در نظر می‌گیرد، پیش‌بینی موفقیت و سوددهی طرح می‌باشد و شایستگی اعتباری اعضای گروه در رتبه دوم قرار می‌گیرد (صدیقی، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

۶- نتیجه‌گیری

واقعیت آن است که در طول سه دهه‌ای که از اجرای بانکداری بدون ربا (به عنوان الگویی توحیدی و ایده‌آل) در کشور می‌گذرد، چالش‌های گوناگونی در راستای استفاده از عقود اسلامی (به ویژه عقود مشارکتی) در تجهیز و تخصیص منابع به وجود آمده است که این خود ضرورت کشف راهکارهایی برای حل و یا کاهش این مشکلات را ضروری می‌نماید. پژوهش حاضر تلاش نمود تا «مدل مرحله‌ای تأمین مالی» را به منظور استفاده بهتر از عقود اسلامی در تخصیص منابع بانکی پیشنهاد نموده و ویژگی‌هایی که انتظار می‌رود استفاده از این مدل برای شبکه بانکی کشور ایجاد نماید را برجسته کند. ایده اصلی آن است که تخصیص منابع نه به صورت دفعی (بلکه در دو یا چند مرحله) انجام شود. مناسب است در مرحله اول، تأمین مالی با استفاده از عقود مبادله‌ای، مانند مباحه و در مرحله دوم با استفاده از عقد مشارکت کاهنده انجام شود. استفاده از عقود مبادله‌ای در مرحله اول، این فرصت را برای موسسه مالی اسلامی فراهم می‌آورد تا بتواند ضمن بررسی موفقیت وام گیرندگان در اجرای صحیح طرح‌ها و متابعت از ضوابط عقد، افرادی که واجد شایستگی دریافت تأمین مالی مشارکتی در مرحله دوم می‌باشند، را شناسایی کند. در واقع در این رویکرد موسسه قادر است بین وام‌گیرندگان گوناگون تمیز قائل شود و آنها را رتبه‌بندی نماید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که الگوی مرحله‌ای در تأمین مالی اسلامی نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه استفاده از آن مزیت‌های گوناگونی نیز برای موسسات مالی اسلامی و دریافت‌کنندگان تسهیلات ایجاد می‌کند. نهایتاً یادآور می‌شود ایده این تحقیق ابتدائی بوده و زمینه را برای سایر تحقیقات در این حوزه فراهم می‌کند.

فهرست منابع

- آقائظری، حسن، (۱۳۸۷)، «نظریه مشارکت در سود و زیان، چالش‌ها و راهکارها»، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۹.
- اکبریان، رضا و رفیعی، حمید، (۱۳۸۶)، «بانکداری اسلامی؛ چالش‌های نظری- عملی و راهکارها»، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۶.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، «لغت‌نامه دهخدا»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صدیقی، محمد نجات الله، (۱۳۸۹)، «ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام»، ترجمه حسین میسمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
- عرب مازار، عباس، کیقبادی، سعید، (۱۳۸۵)، «جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکی ایران»، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۲.
- علیزاده، (۱۳۸۹)، «اخلاق اسلامی: مبانی و مفاهیم»، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- عیوضلو، حسین، (۱۳۸۴)، «عدالت و کفایت در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عیوضلو، حسین، (۱۳۸۷)، «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۹.
- قلیچ، وهاب، (۱۳۹۰)، «بانکداری اخلاقی در جهان»، نشریه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۲.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، «بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی»، تهران: انتشارات صدرا.
- معصومی‌نیا، غلامعلی، شهیدی‌نسب، مصطفی، (۱۳۸۸)، «بررسی فقهی- اقتصادی ابزار مالی مشارکت کاهنده»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۵.
- موسویان، سید عباس، (۱۳۸۳)، «بانکداری اسلامی»، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- نجفی، محمد حسن، (۱۳۹۷ ق)، «جواهرالکلام»، ج ۶، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ویلسون، رودنی، (۱۳۸۱)، «شباهت‌های بانکداری اسلامی و بانکداری اخلاقی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۶.
- Roy, P. (2005), "Group-lending: Sequential financing, lender monitoring and joint liability", *Journal of Development Economics*, Vol. 7, No. 2.
- Mas-Colell, M. Whinston, and J. Green (1995), "Microeconomic Theory", Chapter 14, 'The Principal-Agent Problem', p. 477.
- Al-Jarhi, Mabid Ali (2002), "Islamic Finance: An Efficient and Equitable Option", Jeddah, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Mimio.